



مناسبت‌های ماه محرم

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدتقی واردی*

أول محرم

استجابت دعای حضرت زکریا علیه السلام (۶۲۴ سال پیش از هجرت)

خداوند متعال دعای زکریا علیه السلام را اجابت و در کهن‌سالی وی و همسرش، فرزندی به آنان عطا کرد که خودش وی را یحیی نامید و این نام، پیش از آن سابقه‌ای نداشت. حضرت یحیی علیه السلام به تصدیق قرآن کریم، پیشوای بندگان در علم، عبادت و پاکدامنی و از پیامبران صالح الهی بود: «سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ»^۱

یورش ابرهه به مکه معظمه برای نابودی کعبه (۵۳ سال پیش از هجرت)

«ابرهه بن صباح»، حاکم سخت‌گیر و سفاک سرزمین یمن، در این روز برای تخریب خانه خدا، به مکه هجوم آورد. مردم مکه با مصلحت‌اندیشی عبدالمطلب، از رویارویی با سپاه او اجتناب کرده و به کوه‌ها و دره‌های اطراف پناه بردند. ابرهه که از عدم مقاومت مردم اطمینان حاصل کرد، دستور پیشروی و تخریب خانه خدا را صادر کرد؛ ولی هنوز به کعبه نزدیک نشده بود که ناگهان دید فوجی پرنده از سمت

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. آل‌عمران: آیه ۳۹.

دریا پدیدار و بر بالای سرشان به پرواز درآمده‌اند. پرنندگان آنان را سنگ‌باران می‌کنند و در اندک مدتی، سپاهیان ابرهه متلاشی و تعداد زیادی از آنان به هلاکت می‌رسند. از سپاه عظیم ابرهه، تعداد اندکی موفق به فرار و عقب‌نشینی به سوی یمن می‌شوند. ابرهه نیز از فراریان بود که با بدن زخمی و خون‌آلود، به یمن برگشت و در آنجا با سرافکنندگی تمام به هلاکت رسید.

سال وقوع این واقعه، چون اهمیت بسزایی نزد مردم سرزمین عربستان داشت، «عام الفیل» نامیده شد.

حصر پیامبر ﷺ و بنی‌هاشم در شعب ابی‌طالب (سال هفتم بعثت)

بعد از آنکه رسول خدا ﷺ سه سال مخفیانه و چهار سال آشکارا مردم را به دین اسلام دعوت کرد و عدهٔ زیادی از اهالی مکه به آن حضرت ایمان آوردند، سران مشرک قریش تحمل خود را از دست دادند و در «دارالندوه (مجلس اعیان قریش)» تصمیم به محاصرهٔ اقتصادی و اجتماعی پیامبر ﷺ، پیروانش گرفتند. آنان پیمان‌نامه‌ای نوشته، آن را درون خانهٔ خدا آویخته و سوگند یاد کردند که تا از پای درآوردن پیامبر ﷺ و یارانش، به آن پای‌بند باشند.

حضرت ابوطالب رضی الله عنه، عموی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که سیادت و بزرگی طایفهٔ بنی‌هاشم و اولاد و احفاد عبدالمطلب رضی الله عنه را برعهده داشت، از پیمان‌نامهٔ ننگین قریش ناراحت و شگفت‌زده شد و ماندن در مکه را به مصلحت پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان ندانست و ناچار دستور داد تمامی فرزندان عبدالمطلب رضی الله عنه، نوادگان وی و افراد طایفهٔ بنی‌هاشم، برای حفظ جان رسول خدا صلی الله علیه و آله و در امان ماندن از کید و کین قریش، از مکه خارج و به شعبی که میان بلندی‌های اطراف مکه قرار داشت، نقل مکان کنند.

بنی‌هاشم، سه سال در آن درّهٔ خشک، با نهایت عسرت و تنگ‌دستی به سر بردند

و جز در ایام حج و ماه‌های حرام که در سراسر حجاز و جزیره‌العرب، آتش‌بس و امنیت نسبی برقرار بود، نمی‌توانستند از آنجا خارج شده و با دیگران ارتباط داشته باشند.

سرانجام جبرئیل امین به پیامبر خدا ﷺ و وحی آورد که موریانه پیمان‌نامه قریش را جویده و آن را از بین برده است. پیامبر ﷺ این خبر آسمانی و مسرت‌بخش را به اطلاع عمویش ابوطالب علیه السلام رسانید. او با خوشحالی از شعب خارج شد، به سوی سران قریش رفت، خبر غیبی برادرزاده‌اش را به اطلاع آنان رسانید و آنان را بهت‌زده کرد.

آنها در کعبه را گشوده و پیمان‌نامه را باز کردند؛ ولی همان‌طور که رسول خدا ﷺ خبر داده بود، جز کلمه «بسمک اللهم» چیزی از آن باقی نمانده بود.^۱

وفات محمد حنفیه (سال ۸۱ هجری قمری)

پس از شهادت حضرت فاطمه زهرا علیه السلام، امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام با چندتن از بانوان بافضیلت ازدواج کرد که یکی از آنان، «خوله بنت جعفر بن قیس» بود. این بانوی گرانمایه، پس از مدتی فرزندی برای همسر بزرگوارش به ارمغان آورد که امام علی علیه السلام، به دلیل شدت علاقه به پیامبر ﷺ، وی را «محمد» نامید و کنیه «ابوالقاسم» را برایش برگزید.

«محمد بن علی علیه السلام»، به علت منتهی شدن نسب مادری‌اش به حنفیه بن جیم، ملقب به محمد حنفیه یا محمد بن حنفیه شد و سرانجام در سال ۸۱ هجری قمری وفات نمود.^۲

۱. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۷۱؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۹۷.

۲. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ص ۱۱۰؛ شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۵۴؛ اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، ج ۱، ص ۵۹۰؛ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۸۶.

دوم محرم

ورود امام حسین علیه السلام به کربلا (سال ۶۱ هجری قمری)

امام حسین علیه السلام، روز هشتم ذی‌حجهٔ سال ۶۰ هجری قمری، عازم کوفه شد و پس از ۲۵ روز طی طریق، در دوم محرم سال ۶۱ وارد کربلا شد. «حرّ بن یزید» که از جانب «عبیدالله بن زیاد» مأمور جلوگیری از ورود آن حضرت به کوفه بود، بر امام حسین علیه السلام سخت گرفت و او را در سرزمینی خشک و سوزان، مجبور به توقف کرد. امام حسین علیه السلام، وقتی نام کربلا را شنید، فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَرْبِ وَ الْبَلَاءِ؛ خداوندا! به تو پناه می‌برم از کرب و بلا!» سپس فرمود: «فرود آید که منزل و خیمه‌گاه مان اینجاست. این زمین، محلّ ریختن خون ماست و در این مکان، قبرهای ما واقع می‌شود. اینها را جدّم، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به من خبر داده است.^۱

سوم محرم

ورود عمر بن سعد به کربلا (سال ۶۱ هجری قمری)

«عمر بن سعد بن ابی‌وقاص»، از جانب عبیدالله بن زیاد مأموریت یافت که در برابر سپاه اندک امام حسین علیه السلام قرار گرفته و منتظر دستور بعدی او باشد. ابن‌سعد، با سپاهی چهارهزارنفری از کوفه خارج و سوم محرم، یک روز پس از ورود امام حسین علیه السلام به کربلا، وارد این سرزمین شد. سپاه هزارنفری حرّ بن یزید نیز به او پیوست و تحت فرماندهی وی قرار گرفت.^۲

۱. شیخ مفید، الارشاد، ص ۴۱۶؛ شیخ عباس قمی، منتهی‌الآمال، ج ۱، ص ۳۲۰؛ ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ص ۸۷۱.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۴؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل‌الطالبین، ص ۷۴؛ شیخ عباس قمی، منتهی‌الآمال، ج ۱، ص ۳۳۳؛ ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ص ۸۸۵.

چهارم محرم

آغاز خلافت عثمان بن عفان (سال ۲۴ هجری قمری)

وقتی «عمر بن خطاب» از مرگ خود اطمینان پیدا کرد، شش نفر از صحابه معروف رسول خدا ﷺ (علی بن ابی طالب رضی الله عنه، عبدالرحمن بن عوف، عثمان بن عفان، زبیر بن عوام، طلحة بن عبیدالله و سعد بن ابی وقاص) را کاندیدای خلافت کرد، تا آنان بعد از مرگ وی، با مدیریت عبدالرحمن بن عوف، ظرف سه روز تشکیل جلسه داده و پس از بحث و بررسی‌های لازم، یک تن از میان خود را به خلافت اسلامی انتخاب کنند. اعضای جلسه پس از بررسی جوانب قضایا، دو نفر از میان خودشان را انتخاب کردند و بقیه به آن دو رأی دادند. آن دو عبارت بودند از: امام علی بن ابی طالب رضی الله عنه و عثمان بن عفان.

عبدالرحمن در آغاز، به امام علی رضی الله عنه گفت: «ای ابوالحسن! آیا با خدا پیمان می‌بندی که به کتاب‌الله، سنت رسول خدا ﷺ و سیره دو خلیفه پیشین عمل کنی؟» امام علی رضی الله عنه فرمود: «پیمان می‌بندم که به کتاب خدا، سنت پیامبر و به علم خود عمل کنم.»

سپس عبدالرحمن، همین پیشنهاد را به عثمان بن عفان ارائه کرد و عثمان که منتظر چنین فرصتی بود، بی‌درنگ گفت: «می‌پذیرم. من پیمان می‌بندم که به کتاب خدا، سنت پیامبر رضی الله عنه و سیره شیخین عمل کنم!»^۱

ششم محرم

رحلت سیدشریف رضی (سال ۴۰۶ هجری قمری)

«سید محمد بن حسین موسوی»، معروف به سیدرضی، ششم محرم سال ۴۰۶

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۹۵؛ شیخ عباس قمی، وقایع الایام، ص ۱۲۹ و ۱۴۳؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۵۴؛ یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۲؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۱۹۳.

هجری قمری، در بغداد وفات کرد. برادرش سیدمرتضی که در آن زمان زنده بود، از شدت حزن و ناراحتی، نتوانست در تشییع جنازهٔ وی شرکت کند. ناچار او را به حرم جدش امام موسی کاظم علیه السلام بردند تا آرام بگیرد و اشراف و اعیان مذهبی و کشوری و عموم مردم در تشییع باشکوه جنازهٔ سیدرضی شرکت کردند. فخرالملک، وزیر بهاءالدولهٔ دیلمی بر پیکر مطهرش نماز خواند و در خانهٔ خویش، نزدیکی قبر مطهر امامین کاظمین علیهم السلام دفن کرد. سیدرضی علاوه بر تصنیف نهج‌البلاغه، کتاب‌های دیگری را چون: الخصائص و... تألیف کرد.^۱

هفتم محرم

نامهٔ عبیدالله بن زیاد به عمر بن سعد (سال ۶۱ هجری قمری)

پس از آنکه عمر بن سعد وارد کربلا شد، جلساتی بین وی و امام حسین علیه السلام یا فرستادگانشان برقرار شد و این خبر به اطلاع عبیدالله در کوفه رسید. عبیدالله حاضر به مصالحه و پایان ماجرا بدون خونریزی نبود و تلاش می‌کرد که این امر را سخت‌تر کند. او در هفتم محرم نامه‌ای برای عمر بن سعد نوشت و دستور داد که بر امام حسین علیه السلام سخت گیرد و میان وی و آب فرات حائل گردد تا آن حضرت و یارانش در فشار قرار گرفته و تسلیم شوند.^۲

هشتم محرم

دیدار امام حسین علیه السلام با عمر بن سعد (سال ۶۱ هجری قمری)

امام حسین علیه السلام، برای کاستن حساسیت‌های دو سپاه و ایجاد تفاهم بین آنها،

۱. شیخ عباس قمی، وقایع الایام، ص ۱۴۵.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ص ۴۳۴؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۱۵ و ۳۸۹؛ اربلی، کشف‌الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۲۲۶؛ شیخ عباس قمی، منتهی‌الآمال، ج ۱، ص ۳۳۵.

خواستار ملاقات خصوصی با عمر سعد شد. عمر، پیشنهاد امام را پذیرفت و تفاهم کردند که شب هشتم محرم، در خیمه‌ای میان دو لشکرگاه، نشستی خصوصی داشته باشند. آن دو، در جلسه حضور یافته و تا پاسی از شب با هم گفت‌وگو کردند.^۱

نهم محرم

ورود شمر بن ذی الجوشن به کربلا (سال ۶۱ هجری قمری)

بعد از اعزام عمر بن سعد به کربلا، عبیدالله بن زیاد سپاهیان دیگری نیز به تدریج اعزام کربلا کرد. وی، علاوه بر لشکر هزار نفری حرّ بن یزید ریاحی، چهار هزار تن همراه عمر بن سعد، دو هزار نفر با یزید بن رکاب کلبی، چهار هزار نفر به فرماندهی حُصین بن نُمیر سکونی، هزار نفر همراه شُبث بن ربعی، هزار نفر با حَجّار بن ابجر بجلي، سه هزار نفر همراه مصار بن مزینه مازنی، دو هزار نفر به فرماندهی شخص دیگر به کربلا اعزام کرد، تا با پیوستن به سپاه عمر بن سعد، جبهه سپاهیان یزید را در برابر سپاهیان امام حسین علیه السلام تقویت و تحکیم نماید؛ اما شروترین نیروهای عبیدالله بن زیاد، لشکر شمر بن ذی الجوشن (از بازماندگان خوارج) بود، که به همراه چهار هزار تن، به قصد نبرد با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وارد سرزمین کربلا شد.

امتناع حضرت عباس علیه السلام و برادرانش از پذیرش امان‌نامه (سال ۶۱ هجری قمری)

شمر بن ذی الجوشن، که از طایفه بنی کلاب (خانواده مادری حضرت عباس علیه السلام و سه برادرش) بود، عصر روز تاسوعا نزدیک خیمه‌گاه امام حسین علیه السلام رفت و با

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۸.

صدای بلند آنان را فراخواند و امان‌نامه‌ای برای آنان آورد. حضرت عباس علیه السلام که کانون غیرت، حمیت و وفاداری بود، بر او بانگ زد: «بریده باد دستان تو! و لعنت خدا بر تو و امان‌نامه‌ات! ای دشمن خدا! ما را فرمان می‌دهی که از یاری برادر و مولایمان حسین علیه السلام دست برداریم و سر در طاعت ملعونان و ناپاکان درآوریم. آیا ما را امان می‌دهی و برای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امانی نیست؟»

شمر از پاسخ فرزندان ام البنین علیها السلام، ناامید و خشمناک شد و با نهایت سرافکنندگی به خیمه‌گاه خویش برگشت.^۱

فرمان حملهٔ عمومی به خیام امام حسین علیه السلام (سال ۶۱ هجری قمری)

عمر بن سعد، برای راضی نگه‌داشتن عبیدالله، عصر روز تاسوعا فرمان حملهٔ عمومی را به خیمه‌گاه امام حسین علیه السلام صادر کرد. امام علیه السلام، برادرش حضرت عباس علیه السلام را فرستاد و از وی خواست که شب عاشورا را به وی مهلت دهد. عمر بن سعد علی‌رغم میلش، با اصرار برخی از فرماندهان و ریش‌سفیدان سپاه، درخواست آن حضرت را پذیرفت و فیصلهٔ کار را به روز عاشورا سپرد.^۲

دوراندیشی و تدبیر امام حسین علیه السلام در شب عاشورا

امام حسین علیه السلام از فرصت شب عاشورا استفاده و به چند عمل، اقدام کرد:

۱) خطبه برای یاران و همراهان

آن حضرت در شامگاه روز تاسوعا، یارانش را در خیمه‌ای بزرگ گرد آورد و بعد از نماز جماعت، برای آنان خطبه‌ای خواند. حضرت از آنان خواست که شبانه کربلا را

۱. شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۴۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۹۱.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ص ۴۴۰؛ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۳۷.

ترک و از دسترس سپاه عمر بن سعد خارج شوند. پس از سخنان امام علیه السلام، حاضران در مجلس، یکی پس از دیگری داد سخن گفتند و عرض کردند که ما هرگز چنین نخواهیم کرد و تو را تا آخرین قطره خونمان یاری خواهیم نمود.

۲) سفارش به خواهرش زینب علیها السلام

امام حسین علیه السلام که با تشویش و نگرانی خواهرش زینب علیها السلام در شب عاشورا مواجه شده بود، وی را دلداری داده و امر به صبر نمود. حضرت از خواهرش خواست که زنان اهل بیت علیهم السلام و دیگر اسرا را سرپرستی کند.

۳) تدابیر دفاعی

آن حضرت، برای دفاع بهتر و روان‌تر در برابر تهاجم احتمالی دشمن، دستور داد که خیمه‌ها را به یکدیگر نزدیک و با طناب محکم ببندند و در اطراف خیمه‌ها خندق حفر و آن‌ها را از خار و هیزم انباشته کنند، تا در هنگام هجوم دشمن از سه طرف آنان را با خندق‌هایی شعله‌ور مواجه و از یک طرف با دشمن درگیر شوند.

۴) استفاده از شب آخر برای عبادت

شب عاشورا آخرین شب زندگانی امام حسین علیه السلام و یاران وفادارش بود. ایشان از این شب، بیشترین و بهترین بهره‌های معنوی را بردند و تا بامداد روز عاشورا، به راز و نیاز، مناجات، نماز و قرائت قرآن پرداختند.^۱

۱. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ص ۹۰۱؛ شیخ مفید، الارشاد، ص ۴۴۲؛ سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۰۹.

دهم محرم

وقایع جانگداز روز عاشورا (سال ۶۱ هجری قمری)

در این روز، روی داده‌های مهمی در کربلا به وقوع پیوست که در زیر به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱) نظم سپاه

امام حسین علیه السلام پس از نماز صبح عاشورا، سپاه اندک خود را که متشکل از ۳۲ تن سواره و ۴۰ تن پیاده بودند، به سه دسته تقسیم کرد؛ فرماندهی دستهٔ اول در بخش میمنه را به زهیر بن قین، و فرماندهی دستهٔ دوم در بخش میسره را به حبیب بن مظاهر سپرد، و دستهٔ سوم در قلب سپاه را خود بر عهده گرفت؛ همچنین امام علیه السلام، بیرق سپاه را به برادرش حضرت عباس علیه السلام واگذار کرد.

۲) پذیرش توبهٔ حربن یزید

حربن یزید صبح روز عاشورا پیش از آغاز درگیری، پشیمان شد و مورد بخشش اباعبدالله المحسین علیه السلام قرار گرفت و حضرت، او را در جمع یارانش قرار داد.

۳) اقامهٔ نماز جماعت ظهر عاشورا

«ابو ثمامه صیداوی» در گرماگرم نبرد، به امام حسین علیه السلام نزدیک شد و عرض کرد که وقت زوال فرارسیده است. امام حسین علیه السلام که به نماز اهمیت ویژه‌ای می‌داد، دستور داد جنگ را متوقف کرده و همگی به نماز پردازند. «عبدالله حنفی» که خود را سپر امام حسین علیه السلام قرار داده بود، هدف سیزده تیر دشمن قرار گرفت و در حال دفاع از وجود شریف امام حسین علیه السلام به دیدار معبود شتافت.

۴) شهادت امام حسین علیه السلام

پس از آنکه امام حسین علیه السلام همه یاران خود را از دست داد، بانوان عصمت‌پناه را در خیمه‌ای گرد آورد، آنان را تسلی و دلداری داد و به صبر و شکیبایی سفارش نمود. امام علیه السلام به تنهایی، ساعاتی با نیروهای گسترده دشمن مبارزه و تعداد زیادی از آنان را هلاک یا زخمی کرد و سرانجام خود به شهادت رسید.^۱

جنایات سپاه عمر بن سعد در عصر عاشورا

سپاهیان عمر بن سعد، به‌ویژه دسته سفاک شمر بن ذی‌الجوشن، بعد از کشتن امام حسین علیه السلام و یاران فداکارش، جنایات دیگری در عصر عاشورا به شرح زیر مرتکب شدند:

۱) غارت خیمه‌ها

۲) آتش زدن خیمه‌ها

کوفیان پس از غارت، اقدام به آتش زدن خیمه‌ها کردند و تمام خیمه‌ها و هر چه در آنها بود، در آتش ظلم یزیدیان سوخت.^۲

۳) ارسال سر مقدس امام حسین علیه السلام به کوفه

عمر بن سعد، برای خوش خدمتی بیشتر به دستگاه سفاک اموی، دستور داد سر بریده امام علیه السلام را، عصر عاشورا با شتاب به کوفه ببرند و عبیدالله را از پایان غائله کربلا باخبر کنند.^۳

۱. شیخ مفید، الارشاد، ص ۴۴۷؛ ابن اعثم کوفی، الفتوح، ص ۹۰۱؛ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال،

ج ۱، ص ۳۴۲؛ سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۱۴.

۲. سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۵۰.

۳. همان؛ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۰۱.

قتل عبیدالله بن زیاد به دست سپاهیان ابراهیم بن مالک اشتر (سال ۶۷ هجری قمری)

روز دهم محرم سال ۶۷ هجری قمری، عبیدالله بن زیاد که فرماندهی سپاه امویان را برعهده داشت، در برابر سپاه مختار بن ابی‌عبیده ثقفی، به فرماندهی ابراهیم بن مالک اشتر، در ساحل «نهر خاذر» در چهار فرسنگی شهر موصل قرار گرفت و جنگ سختی بینشان رخ داد.

از لشکریان عبیدالله، تعداد بی‌شماری در میدان جنگ به هلاکت رسیده و تعداد زیادی هم، هنگام عقب‌نشینی در رود خاذر غرق شدند. تعداد کشته‌های آن روز شامیان را بیش از هفتاد هزار تن برشمرده‌اند.

مهم‌ترین رویداد این نبرد، کشته شدن عبیدالله بن زیاد و تعدادی از فرماندهان و افسران عالی‌رتبه شامی بود. عبیدالله به دست ابراهیم بن مالک اشتر با یک ضربت شمشیر، از کمر به دو نیم شد و به سزای کردار ننگین خود رسید. زمان کشته شدن عبیدالله بن زیاد، روز عاشورای سال ۶۷ هجری قمری، درست شش سال پس از شهادت امام حسین علیه السلام بوده است.^۱

یازدهم محرم

اسارت بازماندگان شهدای کربلا (سال ۶۱ هجری قمری)

عمر بن سعد، پس از پایان ماجرای عاشورا، روز یازدهم محرم اجساد کشته‌های سپاه خویش را شناسایی، گردآوری و بر آنان نماز خواند و سپس همه را دفن کرد و در حالی که کشته‌های اهل بیت علیهم السلام و بدن مقدس امام حسین علیه السلام و یارانش بر زمین مانده بود، کربلا را به قصد کوفه ترک کرد.

عبیدالله بن زیاد به محض ورود اسرا به کوفه، تعداد زیادی از اشراف، اعیان و

۱. شیخ مفید، الارشاد، ص ۴۷۰؛ ابن اعثم کوفی، الفتوح، ص ۹۱۳؛ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۰۷.

هوادران بنی‌امیه را گرد آورد و سرهای شهیدان کربلا و اسیران را به مجلس وارد کردند.^۱

دوازدهم محرم

شهادت امام زین العابدین علیه السلام (سال ۹۵ هجری قمری)

امام سجاد علیه السلام، پس از شهادت پدر بزرگوارش در ۲۳ سالگی به مقام امامت نائل آمد. وی پس از بازگشت به مدینه، ۳۴ سال امامت شیعیان را برعهده داشت. سرانجام پس از ۵۷ سال زندگی، در محرم سال ۹۵ قمری، بر اثر زهری که به دستور «ولید بن عبدالملک» اموی به حضرت خورائیده شد، در مدینه منوره به شهادت رسید و در قبرستان بقیع، در جوار قبر مطهر عمویش امام حسن مجتبی علیه السلام به خاک سپرده شد.

درباره تاریخ شهادت امام زین العابدین علیه السلام، گرچه تمامی مورخان و سیره‌نگاران، اتفاق دارند که این واقعه در ماه محرم واقع شد، اما در تعیین روز و سال وقوع آن، دیدگاه واحدی وجود ندارد. برخی، روز دوازدهم محرم، برخی هجدهم و برخی دیگر بیست و پنجم می‌دانند. همچنین درباره سال شهادتش با اینکه بیشتر مورخان، سال ۹۵ را ذکر کرده‌اند، برخی سال ۹۴ قمری گفته‌اند.^۲

سیزدهم محرم

شهادت عبدالله بن عقیف ازدی (سال ۶۱ هجری قمری)

«عبدالله بن عقیف رضی الله عنه» از شیعیان امیر مؤمنان علیه السلام در کوفه بود. وی در ماجرای قیام

۱. شیخ مفید، الارشاد، ص ۴۷۰؛ ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ص ۹۱۳؛ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۰۲.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ص ۴۹۲؛ اربلی، کشف‌الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۲۵۹؛ فضل بن حسن طبرسی، ترجمه اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۳۵۹؛ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱.

امام حسین علیه السلام، به دلیل سالخوردگی و نابینایی، توفیق یاری حضرت را در کربلا نداشت؛ اما هنگامی که سرهای شهیدان کربلا را، همراه اسیران اهل بیت: وارد کوفه کرده و عبیدالله بن زیاد برای زهرچشم نشان دادن به مخالفان و اظهار پیروزی در شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش در مسجد اعظم کوفه برای مردم سخنرانی کرد، با عکس العمل شدید عبدالله بن عقیف روبه‌رو شد.

عبیدالله بن زیاد که انتظار چنین پیش‌آمدی را نداشت، با تکبر دستور داد، وی را دستگیر و صدایش را خاموش کنند. از این‌رو مأموران عبیدالله به خانه عبدالله بن عقیف هجوم آورده و او را با ضربات شمشیر به شهادت رساندند. آنگاه، سرش را از بدن جدا و پیکر بی‌جان‌ش را در محله «سبخه» به دار آویختند.^۱

تدفین پیکرهای مقدس شهیدان کربلا (سال ۶۱ هجری قمری)

پس از اینکه سپاهیان عمر بن سعد کربلا را ترک کردند، گروهی از قبیله بنی‌اسد که در «غاضریه»، نزدیک کربلا ساکن بودند و از کشته‌شدن امام حسین علیه السلام و یارانش، به دست سپاه حکومتی امویان اطلاع یافتند، روز سیزدهم محرم وارد کربلا شده و پیکرهای مقدس شهیدان را جمع کرده، سپس بر آنان نماز گزارده و در همانجا به خاک سپردند.^۲

۱. شیخ مفید، الارشاد، ص ۴۷۴؛ شیخ عباس قمی، منتهی‌الآمال، ج ۱، ص ۴۱۴؛ اربلی، کشف‌الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۲۵۱؛ سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۸۵.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ص ۴۷۰؛ شیخ عباس قمی، منتهی‌الآمال، ج ۱، ص ۴۰۵.